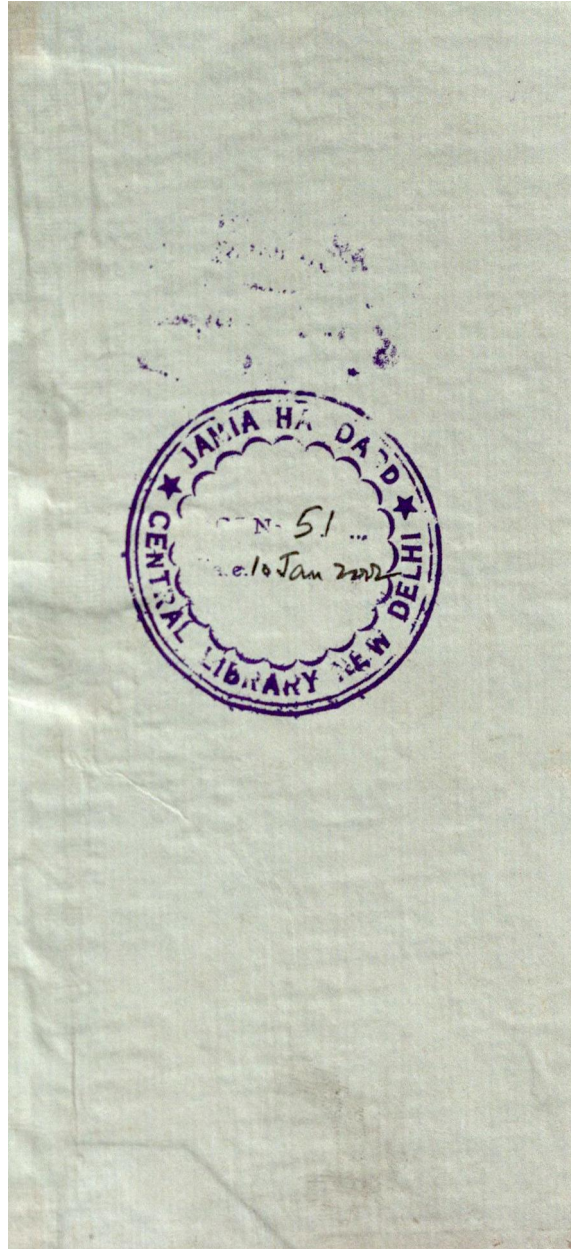
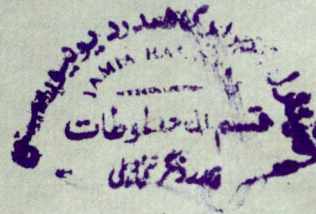




FUMIGATED



891551
B35B

173 Q19

1 11
FUMIGATED



زهر موج کل بچویش دشت
زهر موج سبیل بلبل
سرکی صفا چلو و چون کل
نواهی ز خود در قیچی کل
کافی چیتع تحیر خوش
دلی از زم ناله سبیل
کلی کرندی منشن بشیم
نوش سحرش کشتی سحریم
زبان کل اتشی بر خوت
که بر پیکرش ز کد ارام
زهر شور در جان بلبل
چو پروانه بر تیش کل فساد
بجز دقت در خودی غلبه
که ناکا به شکست بر کبی
جوان ناله کرد خشت و اضطراب
درخت دل مایه عشا
ز زبانی ماجر اما عشا
ز بخش بر آورد خار زبان
که با غلیظ از زکات بوی فا
ز سر تا قدمش داغ خفا
نجمان جمع عرض بردستی آ



۱۱۱

ازین مستغرق چرخ چرخ
 ز دوزخ چاک بدمان بل
 که اهی چرخه برین
 برین شعله شوقی دامن
 بستی کلی را گرفته ام
 ز لخت مکر دست بسته ام
 ز قصه مستی که نشنیده بودم
 که بهوشی آینه عذر راست
 ولیکن بنجایه است باده
 غریت پرستی از پیشانی
 ز سر کشت یک کلی
 سگشتی تو اکنون دل بیلی
 ز کل تا بدل سر می نهان
 که دل باغ محبت می گریست
 پیاماتی قلم معرفت
 محیط حقایق خم معرفت
 ارزان می آفاق نیای
 جهان نقش ظرف تنبلی
 بدن که در چرخه به بود
 ز دل کرد و دم و دم از جام دور
 بدور تو ای قماربنا
 من خسته بیدار پیروز